

دوشنبه 11 آذر 1392-28 محرم 1434 - 2 دسامبر 2013

شهید محسن صدقی بجنوردی، ۱ فروردین ۱۳۳۶ش در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان بجنورد چشم به جهان هستی گشود.



* دفاع مقدس در گذر تاریخ

* شهادت شهید محسن صدقی بجنوردی (1359ش)

اشاره: شهید محسن صدقی بجنوردی، ۱ فروردین ۱۳۳۶ش در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان بجنورد چشم به جهان هستی گشود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، از طریق کمیته انقلاب اسلامی به خدمت مشغول شد. هیچ‌وقت از انجام احکام و فرائض دینی غفلت نمی‌ورزید و در بسیاری از اوقات به ذکر خدا مشغول بود و به قرائت کلام‌الله مجید می‌پرداخت. دائماً زیر لب زمزمه می‌کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز کمک جویید که همانا خداوند با شکیبایان است). محسن اوقات فراغت خود را به قرائت قرآن و مطالعه کتب مختلف مذهبی، علمی، مکانیکی و فرهنگی اختصاص می‌داد. وی در زمستان سال ۱۳۵۸ش به‌عنوان نیروی رسمی وارد جهاد سازندگی شد و در رشته مکانیک که تخصص مورد علاقه‌اش بود شروع به فعالیت کرد. او در جلسات آموزشی و تربیتی جهاد سازندگی فعالانه شرکت می‌کرد و به این جلسات اهمیت زیادی می‌داد. محسن با کار در جهاد سازندگی در زمینه امرار معاش به خانواده‌اش نیز یاری می‌رساند. به‌دنبال آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۵۹ش به جبهه اعزام شد و مدت یک ماه در میادین نبرد حضور داشت. هم‌زمان محسن می‌گفتند که او تا آخرین نفس جنگید و دائماً می‌گفت که: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.» سرانجام در منطقه سوسنگرد طی نبرد با نیروهای عراقی بر اثر اصابت ترکش خمپاره در تاریخ یازدهم آذرماه سال ۱۳۵۹ هجری شمسی در سن بیست و سه سالگی به شهادت رسید. پیکر شهید محسن صدقی بجنوردی را در زادگاهش شهرستان بجنورد به خاک سپردند.

* 11 آذر در گذر تاریخ

* معرفی هفت تن از فقهای عظام به عنوان مرجع تقلید توسط جامعه مدرسین (1373ش)

اشاره: پس از ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی، به علت عدم وجود مرجع جامع الشرایط علی‌الاطلاق، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسه خود، تعداد هفت نفر از علمای جایزالتقلید و مرجع علی‌التعین را معرفی نمودند که عبارتند از حضرات آیات عظام: سیدعلی حسینی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، محمد فاضل لنکرانی، محمدتقی بهجت فومنی، حسین وحید خراسانی، ناصر مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی و سیدموسی شبیری زنجانی. (حَقِّظْهُمُ اللَّهُ تَعَالَى أَجْمَعِينَ).

* شهادت «میرزا کوچک خان جنگلی» رهبر قیام مردمی جنگل (1300ش)

اشاره: میرزا یونس معروف به میرزا کوچک خان در سال 1259 ش برابر با 1298 ق در شهر رشت چشم به جهان گشود و بیشتر تحصیلات خود را در شهرهای رشت و تهران گذراند. میرزا در 1286 ش در گیلان به صفوف آزادی خواهان پیوست و برای سرکوبی محمدعلی شاه قاجار، روانه تهران شد. میرزا کوچک‌خان بعدها نهضت جنگل را پایه‌گذاری نمود و در اواخر سال 1294 ش، همزمان با جنگ جهانی اول، چون اوضاع ایران را پریشان و آن را در اشغال بیگانگان می‌دید، با گرایش به اندیشه اتحاد جوامع اسلامی، کمیته‌ای به نام «اتحاد اسلام» را در حوالی تالش تشکیل داد. در سال 1919 م قراردادی میان ایران و انگلیس امضا شد که در صورت اجرا، نفوذ بیشتر انگلیسی‌ها را در ایران به دنبال داشت. انعقاد این قرارداد، زمینه حرکت‌های مخالف دخالت بیگانگان در ایران، از جمله نهضت جنگل را فراهم ساخت. در نهایت قیام مسلحانه میرزا کوچک خان با تعداد اندک یاران با وفایش که مجذوب اندیشه‌های انقلابی و معنوی وی شده بودند در گیلان آغاز گردید و در اندک مدت، از حمایت بی‌دریغ مردم آن سامان برخوردار شد. در این حال، قزاق‌های روسی و نیروهای انگلیسی و قوای دولتی، هر کدام جداگانه و یا متفقاً برای سرکوبی این حرکت، با گروه‌های چریکی جنگل درگیر شدند و این نشان می‌داد که افکار و آرمان‌های سردار جنگل با منافع و مقاصد هیچ کدام وفق نمی‌داد. اگرچه میرزا در ابتدا پیروزی‌های چشمگیری به دست آورد، اما پس از چند درگیری با قوای دولتی، بر اثر توطئه‌های روسیه و انگلیس و بروز تفرقه میان اعضای اصلی نهضت، نیروهای میرزا پراکنده شدند. میرزا هم

که به منظور گردآوری نیرو از زادگاهش خارج شده بود، در اثر برف و سرمای شدید در جنگل‌های شمال ایران توان خود را از دست داد. مزدوران رضاخان که در تعقیب او بودند، وی را نیمه جان یافتند و در نهایت یکی از یاران خائن جنگلی، سر میرزا را به نشانه پایان قیام جنگل برای رضاخان به ارمغان بُرد.

* مراسم چهلمین روز شهادت حاج سید مصطفی خمینی از سوی حوزه علمیه قم در مسجد اعظم برپا گردید. (1356ش) اشاره: عده ای از وعاظ برجسته قم در این مجلس سخنرانی کردند. در این مجلس قطعنامه‌های حوزه علمیه قم توسط محمدجواد حجتی کرمانی قرائت گردید که در آن بازگشت آیت الله خمینی به وطن و آزادی زندانیان سیاسی تأکید گردیده بود.

* درخواست امام خمینی(ره) از سربازان برای فرار از پادگان‌ها (1357 ش) اشاره: در حالی که با آغاز محرم، مبارزه مردم علیه دستگاه جور پهلوی، به اوج خود نزدیک می‌شد و رژیم در حال فروپاشی طاغوت، برای نگاه داشتن خود، دست به هر کاری می‌زد، حضرت امام خمینی(ره) با صدور پیامی عنوان کردند: «.... من از سربازان سراسر کشور خواستارم که از سربازخانه‌ها فرار کنند. این وظیفه‌ای است شرعی که در خدمت ستمکار نباید بود.....». این پیام امام با استقبال وسیع سربازان و نیروهای مسلح قرار گرفت و نیروهای متدین ارتش و قوای انتظامی که حاضر به رویارویی با مردم نبودند، از پادگان‌ها فرار کردند. این عمل باعث پیوستن نیروهای مذهبی ارتش به مردم شد و حرکت انقلاب را شتاب بیشتری داد.

* همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (1358 ش) اشاره: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به منظور اجرای احکام و قوانین الهی، طی انتخاباتی، مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل و به تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. این قانون در 24 آبان 58 به تصویب اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان رسید و سرانجام در همه‌پرسی که طی روزهای دهم و یازدهم آذر ماه 1358 انجام گرفت، مردم مسلمان ایران با 99/5 درصد، رأی قاطع و موافق خود را درباره قانون اساسی دادند. حضرت امام خمینی(ره) پس از تنفیذ قانون اساسی فرمودند: قانون اساسی، یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی است.

* 28 محرم در گذر تاریخ

* تولد حکیم بزرگ میرزا «محمدطاهر تنکابنی» (1280 ق)

* ویران ساختن قسمتی از بغداد توسط سپاه مغول به فرمان «هلاکوخان» (656 ق)

* 2 دسامبر در گذر تاریخ

* وقوع آتش سوزی عظیم و دهشتناک لندن و ویران شدن نیمی از شهر (1666م)

* تاج‌گذاری «نپلئون بُناپارت» به عنوان امپراتور فرانسه (1804م) اشاره: پس از کودتای نپلئون بُناپارت در نهم نوامبر 1799م و به دست گرفتن قدرت، وی در مقام کنسول اول فرانسه، مقدمات امپراتوری خود را فراهم ساخت و به عنوان ناجی انقلاب شهرت یافت. دومین گام نپلئون برای رسیدن به قدرت مطلقه، تجدیدنظر در قانون اساسی سال 1800م و تصویب قانون جدیدی در ماه اوت سال 1802م بود که مقام او را به عنوان کنسول مادام‌العمر تثبیت می‌نمود و مجالس قانون‌گذاری را عملاً تابع او می‌ساخت. دو سال بعد نپلئون تصمیم گرفت در قالب عنوان امپراتور فرانسه، رژیم سلطنتی موروثی را به فرانسه باز گرداند. از این‌رو، وی پس از انجام مقدمات کار، این تصمیم را در یک همه‌پرسی از تصویب مردم گذراند. نپلئون که ایتالیا و مقر حکومت پاپ‌ها را نیز تحت سلطه خود داشت، پاپ را وادار کرد برای حضور در مراسم تاج‌گذاری او به پاریس برود و با دست خود، تاج امپراتوری فرانسه را بر سر او بگذارد. در این مراسم که روز دوم دسامبر 1804م در کلیسای نوتردام پاریس برگزار شد، نپلئون تاج‌گذاری کرد و همسر خود را نیز امپراتوریس و ملکه فرانسه خواند. به این ترتیب دوره جمهوری اول فرانسه که از 22 سپتامبر 1792م، پس از الغای رژیم سلطنت، آغاز شده بود به پایان رسید و 26 روز بعد، در 28 دسامبر 1804م این جمهوری رسماً پایان پذیرفت. دوران امپراتوری ده ساله نپلئون از سال 1804م تا 1814م، دوران فتوحات پی در پی و گسترش قلمرو امپراتوری او در سراسر اروپاست. نپلئون هر نقطه‌ای را که فتح می‌کرد، یکی از برادران یا بستگان خود را به پادشاهی آن‌جا منصوب می‌نمود و قدرت و محدوده امپراتوری خود را افزایش می‌داد. اما این وضعیت دوام چندانی نیافت و با آغاز شکست‌های نپلئون، وی پس از خلع از قدرت، به یکی از جزایر تبعید شد.

* فتح بزرگ «نپلئون بُناپارت» در نبرد تاریخی «اوستِرلینز» (1805م) اشاره: دوران پادشاهی نپلئون بُناپارت، اغلب در جنگ و کشورگشایی گذشت و همسایگان فرانسه و حتی کشورهای دوردست‌تر نیز از تهاجم نپلئون در امان نبودند. در این میان انگلستان قدرت‌های وقت اروپا نظیر روسیه، پروس و اتریش را به

اتحاد علیه ناپلئون تحریک می‌کرد تا این که در ژوئیه 1805م، انگلیس با این سه کشور ائتلاف ضد فرانسه را تشکیل داد. عکس‌العمل ناپلئون، حمله برق‌آسا به آلمان و اتریش و شکست دادن آنان بود. در نهایت در 28 نوامبر 1805م، قوای فرانسه با نیروهای مشترک روس و اتریش روبرو شد و در دوم دسامبر 1805م جنگ بزرگی در ناحیه اوسترلیتز در اتریش به وقوع پیوست. در این نبرد، قوای ناپلئون فقط 65 هزار نفر بودند ولی قوای روس و اتریش، بالغ بر 85 هزار نفر می‌شدند. با این حال، با آغاز جنگ هفت هزار نفر از فرانسوی‌ها کشته شدند در حالی که 35 هزار سرباز اتریشی و روسی کشته یا اسیر شده بودند. در نتیجه این پیروزی یکی از بزرگ‌ترین فتوحات ناپلئون رقم خورد و ائتلاف انگلیس، روس‌ها و اتریش نیز در هم ریخت.

* اعلام سیاست استعماری امریکا معروف به «دکترین مونروئه» (1823م)
اشاره: با روی کار آمدن جانز مونروئه، به عنوان پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا، این کشور خود را از جانب روسیه در خطر می‌دید و از اتحاد دولت‌های غربی با روسیه تزاری وحشت داشت. نگرانی دیگر امریکا در این زمان، ترس از عواقب اوضاع آشفته و هرج و مرج مکزیک در جنوب امریکا بود. این تحولات که با موجی از بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای امریکای مرکزی توأم بود، در همسایگی ایالات متحده به وقوع می‌پیوست و امریکا را به واکنش بر می‌انگیخت. به ویژه آن که دولت‌مردان امریکا، خواب تصرف قسمت‌های مهمی از نواحی شمالی مکزیک را می‌دیدند و برای اشغال این نواحی، نقشه می‌کشیدند. در همین اوضاع و احوال بود که جانز مونروئه، رئیس‌جمهور وقت امریکا در پیام سالانه خود در دوم دسامبر 1823م، خواهان عدم دخالت کشورهای اروپایی در منطقه گردید. هرچند این پیام که بعدها به دکترین مونروئه شهرت یافت در ظاهر برای حفظ استقلال کشورهای قاره امریکا عنوان گردید اما در حقیقت تحمیل قیمومیت نامشروع امریکا بر کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی بوده است. هم‌چنین تمام معاهدات و قراردادهایی که در سال‌های بعد میان امریکا با این دولت‌ها یا میان خود این دولت‌ها با یک‌دیگر به امضا می‌رسید، الزاماً در جهت منافع ایالات متحده امریکا و در راستای دکترین مونروئه قرار داشت. دکترین مونروئه که اشاره صریحی به دولت‌های غربی دارد، تلاشی جدی برای دورنگاه داشتن قدرت‌ها و سیاست‌های مسلط آن روز از تحولات امریکای لاتین از یک‌سو و مشروعیت بخشیدن به قیمومیت کاخ سفید بر کشورهای این منطقه از جانب دیگر بود. دکترین مونروئه امروزه پس از گذشت بیش از یک‌صد و هشتاد سال هنوز از اعتبار و قوت برخوردار است و در دوره‌های بعدی زمام‌داری در امریکا، پدیدآورنده حوادث متعدد و بی‌شماری بود.

* پایان عصر جمهوری دوم فرانسه و آغاز امپراتوری «ناپلئون سوم» (1852م)
اشاره: لویی ناپلئون، برادرزاده ناپلئون بُناپارت از جوانی درصدد بود که جانشین عموی امپراتور خود شود. وی در ابتدا خواهان سلطنت بود اما چون مردم در جریان انقلاب سال 1848 در فرانسه، خواهان استقرار جمهوری بودند، از سودای سلطنت دست برداشت و خود را نامزد مقام ریاست جمهوری کرد. جذب نام ناپلئون بُناپارت به پیروزی لویی ناپلئون در نخستین انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در دسامبر 1848م کمک کرد و لویی ناپلئون کلیه رقیبان قدرت‌مند و معروف خود را در این انتخابات شکست داد. وی در سه سال اول ریاست جمهوری خود در چهارچوب قانون اساسی جمهوری دوم فرانسه حکومت کرد و از حدود اختیارات قانونی خود پا فراتر نگذاشت، ولی انتقاداتی که در مطبوعات و مجلس ملی فرانسه از روش او در حکومت آغاز شده بود و سوسه قدرت مطلقه را در او بیدار کرد. از این رو در دوم دسامبر سال 1851م با یک کودتا بر اختیارات خود در مقام ریاست جمهوری افزود و صداهای مخالف را، خاموش کرد. درست یک سال بعد، در روز دوم دسامبر 1852م، لویی ناپلئون، الغاء رژیم جمهوری و استقرار مجدد رژیم سلطنتی را اعلام داشت و خود را امپراتور فرانسه خواند. لویی ناپلئون برای بهره‌برداری بیشتر از جذب نام ناپلئون، خود را ناپلئون سوم لقب داد ولی بعد از انتشار شعر هجوآمیزی از طرف ویکتور هوگو، نویسنده و شاعر معروف فرانسوی درباره او تحت عنوان ناپلئون کوچولو، در میان مردم فرانسه بیشتر به این لقب شهرت داشت. حکومت 22 ساله ناپلئون سوم که در چهار سال اول آن عنوان ریاست جمهوری و در 18 سال باقی‌مانده، عنوان امپراتوری داشت، سرانجام با شکست مفتضحانه نیروهای فرانسه در جنگ‌های فرانسه و پروس در سال 1870م به پایان رسید. ناپلئون سوم در این جنگ اسیر شد و دو سال آخر عمر خود را در حال تبعید در انگلستان سپری نمود.

* ساخت اولین پیل هسته‌ای جهان توسط «انریکو فرمی» و آغاز عصر اتم (1942م)
اشاره: در پی تحقیقات شبانه روزی و طاقت‌فرسای انریکو فرمی، دانشمند ایتالیایی الاصل آمریکایی، اولین پیل هسته‌ای جهان در دوم دسامبر 1942م ساخته شد. پیل یکی از منابع جریان برق است که بر اثر فعل و انفعالات شیمیایی، تولید جریان می‌کند. با استفاده از این موضوع، پیل هسته‌ای وسیله‌ای است که برای تولید انرژی هسته‌ای به صورت حرارت، تولید مواد شکافت‌پذیر و تولید نوترون‌ها به کار می‌برد. هم‌چنین ماده‌ای که از شکافت هسته‌ای در رآکتور به کار می‌رود، سوخت هسته‌ای نام دارد. در این پیل، شکافت اتم‌ها باعث تولید فعل و انفعال زنجیره‌ای وسیعی گردیده و انرژی حرارتی فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند. ساخت این پیل هسته‌ای اولین قدم برای ساختن بمب هسته‌ای بود و با شکافتن اتم و آزاد کردن نیروی اتم، جهان علم قدم به عصر اتم نهاد. با ساخت اولین بمب هسته‌ای و به کارگیری آن علیه هیروشیما و ناگازاکی، به بهانه پایان دادن به تراژدی جنگ جهانی دوم، استفاده ضدبشری از این کشف مهم آغاز شد.

* تقسیم شبه جزیره کره به دو قسمت شمالی و جنوبی (1945م)

* آغاز قیام «فیدل کاسترو» انقلابی کوبایی علیه «باتیستا» دیکتاتور این کشور (1956م)
اشاره: فیدل کاسترو چریک کوبایی، به منظور مبارزه با دیکتاتوری وابسته باتیستا، به اتفاق عده‌ای از هم‌زمانش، در سال 1953م قیام مسلحانه خود را برای آزادی کوبا با حمله به یک پادگان نظامی آغاز کردند. اما سربازان باتیستا این قیام را به شدت سرکوب کردند و کاسترو دستگیر و زندانی گردید. مدتی بعد کاسترو تبعید شد ولی او، گروهی دیگر را گرد آورد و به کوبا بازگشت وی در روز دوم دسامبر 1956 به اتفاق 80 نفر از طرفداران خود، وارد یکی از سواحل کوبا شد، اما همه آن‌ها به جز 12 نفر، کشته و یا توسط رژیم باتیستا دستگیر شدند. پس از آن کاسترو، فعالیت تبلیغی شدیدی علیه حکومت مرکزی به راه انداخت و در مناطق کوهستانی کوبا به نبرد با این رژیم امریکایی پرداخت. سرانجام در سال 1958 کاسترو دستور حمله به مواضع نظامی و حساس پایتخت و سایر شهرهای کوبا را صادر کرد. در نتیجه این حملات، بسیاری از مناطق حساس به تصرف انقلابیون درآمد و باتیستا مجبور شد به پایگاه نظامی امریکا در کوبا پناهنده و سپس از کشور فرار کند. در نهایت، فیدل کاسترو در فوریه 1959م به نخست‌وزیری و در سال 1976م به ریاست جمهوری کوبا برگزیده شد. (ر.ک: 17 فوریه)

* روز جهانی لغو بردگی
اشاره: همه ساله چنین روزی به عنوان روز لغو نظام بردگی در جهان گرامی داشته می‌شود. اگر چه مفاهیم قبلی بردگی مثل استعمار کهنه و یا نظام برده داری بر چیده شده اما مفاهیمی چون استعمار نوین به وجود آمده است. روابط کارگر و کارفرما در عصر جدید، وجود شرکت‌های چندملیتی، وجود کشورهای شمال و جنوب، بازار بودن کشورهای جنوب برای کشورهای شمال و... همگی از مسئله ای حکایت می‌کنند که به آن، بردگی درنظام جدید اطلاق می‌شود.

* روز ملی و استقلال «امارات متحده عربی» و خروج از تحت الحمایگی انگلستان (1971م)